

افسانهٔ جامعهٔ مدنی

نویسنده: بهرام رحمانی
ناشر: انتشارات فروغ
چاپ اول: پائیز ۱۳۸۰، ۲۰۰۱
طرح روی جلد: علی پور
چاپ: چاپخانه مرتضوی، کلن

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

فصل دوم

خاتمی، در خط امام روح الله خمینی

احکامی از توضیح المسائل خمینی

محمد خاتمی خود را ادامه دهنده راه خمینی می‌داند و در این مورد نیز کتابی را به نام «بیم موج» در سال ۱۳۷۳ تألیف کرده است. بر این اساس بی‌مناسبت نخواهد بود که مروری داشته باشیم به بعضی از قوانین دیگر این رژیم و احکامی که روح‌الله خمینی بنیانگذار رژیم اسلامی، صادر کرده است. احکامی که از هر سطر به سطر آن بوی تعفن و جنایت به مشام می‌رسد.

مسئله ۲۳۹۲: انسان نمی‌تواند بدون اجازه زن خود با خواهر زاده و برادر زاده او ازدواج کند. ولی اگر بدون اجازه زنی آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکالی ندارد.

مسئله ۲۳۹۴: اگر انسان پیش از آن که دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد با مادر آنان زنا کند دیگر نمی‌تواند با آنان ازدواج نماید.

مسئله ۲۳۹۵: اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید عقد آنان اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۱۰: اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آن که نه سال دختر تمام شود با او نزدیکی و دخول کند، چنانچه او را افضا نماید، هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند.

مسئله ۲۴۱۲: زنی که عقد دائمی شده باشد نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را بر هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. و اگر در این‌ها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر، واجب است و اگر تهیه نکند چه توانائی داشته باشد، یا نداشته باشد، مدیون زن است.

مسئله ۲۴۱۳: اگر زن در کارهایی که در مسئله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند، گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و همخوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود.

مسئله ۲۴۲۱: صیغه کردن زن اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است.

مسئله ۲۴۲۳: زنی که صیغه می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد. ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او

نزدیکی نماید.

مسألة ۲۴۲۴: زنی که صیغه شده اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد.

مسألة ۲۴۲۷: زنی که صیغه شده، می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر بواسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین می رود، بیرون رفتن او حرام است.

مسألة ۲۴۳۴: اگر انسان بدون قصد لذت به آن قسمت از بدن زن های کافر که معمولا نمی پوشانند، نگاه کند در صورتی که نترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد.

مسألة ۲۴۴۴: اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد معلوم شود که باکره نبوده می تواند عقد را به هم بزند.

مسألة ۲۴۵۶: اگر زن بگوید یائسه ام نباید حرف او را قبول کرد ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول می شود.

مسألة ۲۴۵۹: مستحق است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: یکی از سعادت های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند.

مسألة ۲۴۹۲: اگر بواسطه شیر دادن، حق شوهر از بین نرود، زن می تواند بدون اجازه شوهر بچه کس دیگر را شیر بدهد، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه، به شوهر خود حرام شود. مثلا اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد زن نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد خودش مادر زن شوهر می شود و بر او حرام می گردد.

مسألة ۲۵۱۰: زنی که نه سالش تمام نشده و زن یائسه، عده ندارد، یعنی اگر چه شوهر با او نزدیکی کرده باشد بعد از طلاق می تواند فوراً شوهر کند.

مسألة ۲۵۴۴: اگر کسی زن خود را بدون این که او بفهمد طلاق دهد چنانچه مخارج او را مثل وقتی زنش بوده بدهد و مثلا بعد از یک سال بگوید یک سال پیش تو را طلاق داده ام و شرعا هم ثابت کند، می تواند چیزهایی را که در آن مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است از او پس بگیرد ولی چیزهایی را که مصرف کرده نمی تواند از او مطالبه نماید.

مسألة ۲۷۳۱: اگر وارث میت یک دختر و یک پسر باشد مال را سه قسمت می کنند، دو قسمت را پسر و یک قسمت را دختر می برد و اگر چند پسر و چند دختر باشند، مال را طوری تقسیم می کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد. ۱

توجه کنید که مسائلی را که خمینی مطرح می کند دقیقاً در راستای اصول و موازین اسلام و قرآن است. در عین چقدر مشتمل کننده، ضد بشر، ضد زن و ضد کودک است. محمد خاتمی در وصف چنین آدم جانی و ارتجاعی در کتاب خود به نام «بیم موج» چنین می نویسد:

«در عصر حاضر نیز در آفاق اسلامی مصلحان و احیاگران بزرگی ظهور کرده اند که جایگاه امام خمینی (قده) در این میان از رفعت خاصی برخوردار است و گزافه نیست اگر امام فقیه امت را بزرگ ترین احیاگر دین به هر دو معنی در زمان غیبت معصوم بدانیم.

امام خمینی در زمانی دین را به عنوان عامل بزرگ نجات جامعه اسلامی از جنایت های مستکبران و منشا حرکت در مسیر استقلال و سربلندی به صحنه آورد که طی بیش از یک صد سال گذشته، هم به لحاظ گستردگی و عمق دشمنی سنجیده استعمارگران و در اثر ناتوانی بخش قابل توجهی از اندیشه رایج دینی در درک واقعیات و شناخت راه مبارزه درست با دشمنان، دین سنگر به سنگر در برابر یورش فکری و سیاسی دشمن جهانی عقب نشینی کرده بود.

... انقلاب اسلامی مهم ترین حرکت احیای دین در این روزگار بود و در هر سه جبهه به مبارزه پرداخت و بعد از پیروزی در مرحله اول و سرنگونی رژیم فاسد و مغرور استبدادی، جبهه مقابله با استبداد به میدان مبارزه بی امان و مستقیم با کلیت استکبار جهانی و در راس آن آمریکا که بزرگ ترین پشتیبان رژیم وابسته سابق بود مبدل شد.» ۲

مسلم است که خمینی، خامنه ای، رفسنجانی، یزدی، خاتمی و دیگر سردمداران رژیم اسلامی، قوانین اسلامی را از مغز خود به بیرون تراوش نداده اند. بلکه همگی آنان با اتکا به قوانین الهی و ائمه و پیامبران و امامان و قرآن و نهج البلاغه، توضیح المسائل خود و قوانین اسلامی را تنظیم می نمایند. به ویژه که قرآن که بخش اعظم آن به مهار کردن زنان توسط مردان مسلمان تاکید می کند. بخش دیگر بر اطاعت بدون چون و چرا از حاکمان، یعنی پیغمبران و امامان است و نهایت اطاعت از اوامر خدا و ترساندن از عقوبت الهی و جهنم، بخش های دیگر آن می باشد. در این کتاب به ویژه توهین و بی حرمتی که به زنان می شود بی نهایت چندان آور است. این کتاب ها غیر از سند اسارت و بندگی و بردگی و خرافات هیچ ارزش دیگری ندارند.

آیه های از قرآن

تعالیم قرآن و پیغمبران و امامان و مجتهدین اسلامی، همگی دشمنی و خصومت بین انسان ها را دامن می زنند.

تخم تبعیض می افشانند. بشر را از روی آوردن به برابری و آزادی و عشق بر حذر می دارند تا منافع اقتصادی و سیاسی خود را حفظ نمایند.

در قرآن، سوره یوسف، آیه ۲۸ آمده است:

... و زنانی که از مخالفت آنان بیمناکید، باید نخست آنان را موعظه کنید، اگر مطیع نشدند، از خوابگاه آنان دوری گزینید، باز اگر مطیع نشدند، آن ها را کتک بزنید...

قرآن، سوره الاحزاب، آیه ۵۹:

ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند که این کار برای این که به عفت و حریت شناخته شوند و از تعرض و جسارت آزار نبینند، بسیار بهتر است.

قرآن، سوره بقره، آیه ۲۲۸:

از زنان هر چه خوش دارید، دو دو، سه سه، و چهار چهار بگیرید.

قرآن سوره الاحزاب، آیه ۵۹:

در اسلام، زن شیطانی است که می تواند مردان و جامعه را منقلب کند. به دلیل اغواگری و وسوسه زنان، باید همیشه بین زن و مرد فضا و فاصله ای موجود باشد. حجاب و پوشاندن زنان در اسلام، برای کنترل زنان و جلوگیری از نقش مخرب آنان در جامعه است.

سوره البقره آیه ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳

هر گاه مشرکان را یافتید به قتل برسانید و از شهرهایشان برانید... اگر دست از شرک و ستم بردارند از آن ها در گذرید... و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین بر طرف شود و همه را آئین دین خدا باشد.

سوره التوبه، آیه ۲۸:

ای کسانی که ایمان آورده اید محققا بدانید که مشرکان نجس و پلیدند...

سوره التوبه آیه ۲۹:

با هر که از اهل کتاب (یهود و نصاری) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده نمی دانند و به دین حق (اسلام) نمی گروند قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.

سوره البقره، آیه ۲۲۴:

زنان شما کشتزار شمايند، برای کشت به آن ها نزديک شويد، هرگاه معاشرت آن ها خواهيد.

سورة الاحزاب، آية ۵۰:

ای پیغمبر ما، زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت خدا تو را نصیب کرده و ملک تو شدند و نیز دختران عمو و دختران عمه و دختران خاله، آن ها که با تو از وطن هجرت کردند و نیز زن مؤمنه ای که خود را بی قید و شرط و مهر به رسول ببخشد و رسول به نکاحش مایل باشد که این حکم مخصوص تو است... این زنان که همه را بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجودت در امر نکاح هیچ خرج و زحمتی نباشد...

قرآن، آية ۲۹ از سورة "التوبة"

کارزار کنید «بکشید» آن کسانی را که به خدا نمی گروند و به روز پسین اعتقاد ندارند و حرام نمی دانند آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده اند و دین حق را قبول ندارند، آن هائی که به آنان کتاب (کتاب آسمانی) داده شده تا آن که آن ها به دست خودشان جزیه بدهند و ایشان از خواران (پست ها) محسوب می شوند.

قرآن، آية ۳۸ از سورة "المائدة" (۵):

جز این نیست کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش به جنگ می پردازند و از راه فساد در زمین می کوشند، کشتن و به دار آویختن آن ها و بریدن دست ها و پاهایشان، که خلاف یکدیگر این عمل انجام شود.

قرآن، آیات "الرحمن" (۵۵):

بهشتی که در آن دو چشمه آب زلال با فوران جریان دارد و از هر میوه دو نوع موجود است مانند خرما و انار و در آن بهشت به فرش هائی تکیه می کنید که از ابریشم ضخیم (دیبای کلفت) است و در آن جا فرشتگان زیباروی و زنانی نیکوسرشت وجود دارند که در انتظار نشسته اند. فرشتگانی که پیش از شما هیچ کس (اعم از آدم ها و جن ها) آنان را لمس نکرده اند.

قرآن، آیات ۱۴ تا ۲۳، سورة الدمر:

تکیه می زنند در آن بهشت ها بر سریرها که هوای آن جا نه گرم و نه خیلی سرد، و بر آن ها سایه های درختان میوه می افتد که خوشه های آن به آسانی در دسترس است. و به گردش در آورده می شود برای ایشان ظرف هائی از نقره و قدح هائی که مانند آینه است، آبگینه هائی از نقره که به اندازه های معین ساخته شده و در آنجا به آن ها می نوشانند شربتتی که ممزوج با زنجبیل است و چشمه آب زلال که به آن سلسبیل می گویند، و پسرانی که جوانی خود را حفظ خواهند کرد در آنجا می بینی که به دور آن چشمه می گردند، و اگر تو بر آن پسرها نظر بیفکنی می پنداری که مرواریدهای ناسفته می باشند که در رشته کشیده نشده اند!! و چون در آن بنگری نعمت های تازه و زمین های بزرگ

خواهی یافت. آنان در بالاتنه هاشان جامه های ابریشمی نازک و دیبای سبز و استبرق دارند که پیرایه هائی از نقره دارد و پروردگارشان به آنان شرابی پاک و طاهر خواهد نوشانید.

قرآن، آیه ۷ سورة الفتح (۴۸):

خدا آزار می رساند به مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زن های مشرک که به او شک دارند، آنان گمان بد دارند که پیوسته در گردش بدی افتاده است و خشم خدا بر آن ها باد و خدا لعنت کرد آن ها را و آماده ساخت برای آنان دوزخ را و راه بازگشتی برای آن ها نیست. ۳

بقره، آیه ۱۷۸ و ۱۷۹:

در همین آیه ها تصریح که در برابر قتل یک نفس فقط یک نفس را می توان قصاص کرد و در برابر یک چشم، یک چشم و... هر کس از این تحدیدهای الهی تجاوز کند، ستم پیشه خواهد شد. ۴

چند حدیث

جلال الدین المحلی و جلال الدین السیوطی، در تفسیر سورة معراج چنین می نویسند: «در حدیث است از حضرت رسول الله (ص) در باره لیلته المعراج که فرمود: آن شب جبرئیل آمد و چهارپائی همراهش بود از الاغ بزرگ تر و از استر (قاطر) کوچک تر، سفید رنگ، سم هایش در کنار پا متمایل به خارج بر آن سوار شدم و به بیت المقدس رفتم. افسار براق را به حلقه ای که خاص انبیا بود بستم. در مسجد القضا دو رکعت نماز خواندم. پس از بیرون آمدن با جبرئیل بسوی آسمان پرواز کردیم. در دروازه آسمان موکل پرسید کیست؟ گفت جبرئیل است، پرسید این کس که همراه توست کیست؟ گفت: محمد. پرسید: آیا احضار شده است؟ گفت: آری. پس موکل دروازه آسمان را باز کرد و در آن با حضرت آدم به پیشوازم شتافت و خیر مقدم گفت. سپس از شش آسمان دیگر گذشتیم و در آسمان هفتم حضرت ابراهیم را دیدم که به بیت المعمور تکیه زده است و در بیت المعمور روزی ۷۰۰۰۰ فرشته وارد و خارج می شوند. پس از آن جبرئیل مرا به (سدره المنتهی) برد که درختی بود با برگ هائی مانند گوش فیل، پس به من وحی شد که شبانه روزی پنجاه نماز بخوانم. حضرت موسی که در آن وقت از عرش باز می گشت به من گفت: من به تجربه می دانم که پنجاه نماز در هر شبانه روز برای امت تو خیلی زیاد است. برو از خدا بخواه که تخفیف بدهد. پس وقتی که به نزد خدا بار یافتم از او درخواست تخفیف کردم و خدای عالمین پنجاه نماز یومیه را به چهل و پنج تقلیل داد. باز موسی گفت من در نزد قوم خود آزموده ام که مردم در شبانه روز نمی توانند چهل و پنج بار نماز بخوانند دوباره

درخواست تخفیف کردم، و باز به سوی خدا برگشتم و از او تخفیف تازه خواستم و آنقدر رفتم و برگشتم که بالاخره خدا به روزی پنج نوبت نماز رضایت داد.» ۵

در کتاب معراج الصادقین (کتاب معراج) فصل اول تالیف آیت الله دستغیب شیرازی نیز چنین آمده است: «در بحارالانوار، از حضرت باقر(ع) نقل قول شده است که حضرت رسول(ص) فرمود: در معراج هر ملکی را که ملاقات می‌کردم از من در باره پسر عمم علی (ع) پرسش می‌کرد، به طوری که گمان کردم علی در آسمان‌ها از من مشهورتر است، متفکرانه رفتم تا رسیدم به ملک بزرگی که نه خنده می‌کرد و نه راجع به علی از من چیزی پرسید. از جبرئیل سؤال کردم این ملک کیست؟ عرض کرد این مالک جهنم است و تا به حال بر روی کسی نخندیده است، و گر نه بر روی شما هم خنده می‌کرد. گفتم به او بگو روپوش از روی جهنم بردارد و چون حرف جبرئیل در عالم بالا مطاع است، پرده جهنم را عقب زدند و التهابش بلند شد که ترسیدم مرا بگیرد. پس فرمودم: بپوشان روی آن را. و از اموری که در لیلته المعراج نزد (سدره) واقع شد این که وقتی پیغمبر خدا به آن جا رسید عده ای از ملائکه ملاء اعلا آمدند برای زیارت پیغمبر اکرم (ص) و به دست هر یک طبقی از طبق های بهشتی بود که به عنوان نثار حضور رسول الله (ص) ریختند زیرا چون مهمان بود هر کس به زیارتش می‌آمد با دست خالی نمی‌آمد.

و نیز حضرت رسول (ص) فرمود: در لیلته المعراج درخت طوبی را دیدم که چنان بزرگ بود که اگر پرنده ای برای رسیدن به بالای آن حرکت کند باید صد سال را بپیماید و فاصله هر یک برگ آن با یک برگ دیگر یک سال راه است و اصل این درخت در خانه علی ابن ابیطالب (ع) است!!

آیت الله دستغیب شیرازی در کتاب معراج فصل اول می‌نویسد:

«حضرت صادق(ع) فرمود: شنیدم از پدرم حضرت باقرالعلوم که فرمود شنیدم از پدرم حضرت زین العابدین، که فرمود شنیدم پدرم حضرت حسین، که فرمود شنیدم از حضرت علی که شنیده بود از حضرت رسول که او فرموده بود: در شب معراج به «سدره المنتهی» در عرش اعلا صعود کردم که مقامی است که منتهی المقامات است و آن درختی است که هزار شاخه دارد و هر شاخه هزار هزار برگ و اگر یک برگ آن را به این عالم بیاورند همه عالم را سایه می‌اندازد و اگر کسی هزار سال زیر یک شاخه آن درخت راه برود به آخرش نمی‌رسد، و کلیه جوی‌ها و شیر و عسل و آب و شراب بهشتی از زیر این درخت می‌گذرد. بر روی هر برگی از آن صد هزار هزار ملک مشغول تسبیح خدایند و دیدم عده‌ای ملک را که دور سدره مشغول طواف هستند، همان طور که پروانه دور شمع می‌چرخد و برق می‌زند و این‌ها غیر ملائک هستند که روی درختند.

و چون در کنار «سدره المنتهی» تنها بودم، یکی از شاخه های سدره را دیدم که میوه های آن مثل پستان زنان و سر آن روی زمین است و دیدم که از بعضی از آن‌ها شیر سفید می‌ریزد و از بعضی روغن و از بعضی شبیه نان سفید، و از جایی لباس می‌ریزد. با خود گفتم، ای کاش جبرئیل این جا بود و سؤال می‌کردم این‌ها چیست؟ در آن هنگام از طرف خدای عالم به قلب من الهام شد که این دستگاه را برای دخترها و پسرهای امت تو قرار دادیم.» ۶

«شریعت به زنان اجازه قضاوت نداده است. ۷ در این مدت از شریعت به ما رسیده است: هرگز به صلاح و رستگاری نمی رسد آن گروهی که متولی امور آنان زنان باشند.» ۸

«زن حامله ای که چهار بار به زنا اقرار کند باید تا اجرای حد رجم که بعد از وضع حمل خواهد شد زندانی شود.» ۹
«کسی که با یکی از محارمش زنا کند باید به گردن او یک ضربه شمشیر زده شود، چنانچه نمیرد باید تا پایان عمر زندانی شود.» ۱۰

«مادری که هیچ گونه از عمل پلید زنا پروا نداشته باشد، فرزندش می تواند او را حبس کند. حتا در صورت لزوم به زنجیر هم ببندد.» ۱۱

«دزدی که بعد از دو بار دزدی کردن که دست راست و پای چپش بریده شده است هر گاه برای بار سوم دست به دزدی بزند، برای همیشه زندانی می شود، و چنانچه در زندان به دزدی پردازد مجازاتش اعدام است.» ۱۲

«زن مرتد که برای ابد به زندان انداخته می شود و در اوقات نماز مورد ضرب واقع می گردد و لباس خشن به او پوشانده می شود و اگر شوهردار باشد از او جدا نگه داشته می شود و باید به عدۀ طلاق (۳ ماه) نگه دارد و به مجرد توبه از زندان آزاد می شود.» ۱۳

در کتاب تحریرالوسیله، در مورد سنگسار چنین آمده است:

«زن حامله ای به خدمت حضرت علی (ع) آمد و چهار بار اقرار کرد که من زنا کرده ام. پس علی (ع) دستور داد تا او را حبس کنند و بعد از حمل، او را سنگسار فرمود.» ۱۴

می بینیم که اولاً روحانیون در توضیح المسائل خود، با اندک تغییراتی اصول و مبنا را بر قرآن و فتوهای پیغمبران و امامان می گذارند. ثانیاً همه این کتاب ها نه تنها ارزش اجتماعی ندارند بلکه بسیار هم برای جامعه انسانی مضر و خطرناک هم هستند. ثالثاً اکثر مردمی که اعتقاد به قرآن دارند، عموماً سواد خواندن آن را ندارند و کورکورانه و موروثی از آن دفاع می کنند.

اریک فروم در کتاب «روانکاو و دین»، در باره دین چنین می نویسد: «اصول ادیان خودکامه کدامست؟ تعریف واژه دین در فرهنگ آکسفورد در حالی که مشعر بر دین به طور کلی است، بیش تر تعریف دقیقی است از دین خود کامه. در فرهنگ یاد شده چنین می خوانیم:

دین عبارت است از «شناسایی یک قدرت نامریی برتر که بر سرنوشت انسان تسلط داشته و واجب اطاعه و لازم الاحترام است». در این جا تاکید روی پذیرش این نکته است که انسان به وسیله قدرتی خارجی و برتر اداره می شود. اما این هم به تنهایی دین خودکامه را به وجود نمی آورد. آنچه معنی را تمام می کند این اعتقاد است که قدرت مزبور به سبب سلطه ای که اعمال می کند «واجب ال اطاعه و لازم الاحترام» است. علت این که عبارت فوق را در قیومه گذاشته ام این ست که نشان می دهد دلیل پرستش، فرمانبرداری و احترام خصایص و کیفیات اخلاقی خدا یا

عشق و عدالت او نیست بلکه، این واقعیت است که قدرت مزبور بر انسان تسلط دارد، یعنی از او قوی تر است. به علاوه مبین این نکته است که قدرت برتر حق دارد انسان را وادار به پرستش خود نماید و عدم احترام و فرمانبرداری گناه محسوب می شود.» ۱۵

فروم در مورد رهبران دینی که به عنوان نماینده‌ی خدایی که مظهر قدرت مطلق است، می نویسد: «در ادیان خودکامه خدا مظهر قدرت و جبر است. او برتر و فایق است، زیرا دارای قدرت برتر است و انسان در مقایسه با او به طرز رقت باری ناتوان است. ادیان خودکامه دنیوی نیز از همین اصل تبعیت می نمایند. در این جا «پیشوا» یا پدر محبوب ملت و یا دولت یا نژاد شیء مورد پرستش می باشد. زندگی فرد بی اهمیت تلقی می شود و ارزش انسان در همان انکار ارزش و توانایی خود اوست. ادیان خودکامه غالباً آرمانی را فرض مسلم می‌پندارند که از بس انتزاعی و مستبعد است به سختی پیوندی با زندگی حقیقی مردم دارد. در راه آرمان‌هایی نظیر «زندگی پس از مرگ» یا «آینده‌ی بشر» حیات و سعادت افراد معاصر قربانی می‌شود. هدف‌های مورد ادعا هر وسیله‌ای را موجه جلوه می‌دهند و به صورت مظاهری در می‌آیند که «نخبه‌ها» یا برگزیدگان دینی یا دنیوی به نام آن بر زندگی هموعان خود تسلط می‌یابند.» ۱۶

فریدریش انگلس در کتاب دیالکتیک طبیعت (۱۸۸۳-۱۸۷۸) در باره‌ی مذهب می نویسد: «در هیچ کجا با خدا رفتاری بدتر از آنچه که علمای دانش طبیعی معتقد به او با آن انجام داده اند دیده نمی‌شود. ماتریالیست‌ها فقط واقعیت‌ها را بدون استفاده از آن چنان عباراتی توضیح می‌دهند. آن‌ها این کار را اولاً در موقعی انجام می‌دهند که مؤمنین سمج قصد دارند خدا را به آنان تحمیل نمایند. آنگاه به اختصار یا مانند لاپلاس پاسخ می‌دهند: آقا احتیاجی به آن نداشته‌ام. یا با لحن گستاخ تری مانند تجار هلندی، زمانی که مسافران تجارت پیشه‌ی آلمانی قصد تحمیل کردن اجناس خود را به آنان داشتند جواب می‌دهند: این چیزها به درد نمی‌خورند. و این پایان ماجرا است. اما خدا مجبور است در دست مدافعان خویش چه عذابی را تحمل نماید! در تاریخ علوم طبیعی، طرفداران خدا با او همان رفتاری را داشته‌اند که با فردریک ویلهلم سوم ژنرال‌ها و افسران در جنگ داشتند. هر واحد نظامی یکی پس از دیگری دست از مبارزه می‌کشند و سنگرها یکی پس از دیگری در مقابل یورش علم تسخیر می‌شوند، تا این‌که در پایان تمامی قلمرو بی‌پایان طبیعت توسط دانش فتح می‌شوند و جانی برای خالق باقی نمی‌ماند.» ۱۷

یا به قول کارل مارکس:

«چنین است اساس انتقاد از دین: انسان آفریننده‌ی دین است، نه دین آفریننده‌ی انسان. به طوری که دین شعور و احساس خودآگاه انسانی است، که یا خود را هنوز نیافته و یا این که خود را دوباره گم کرده است. اما انسان موجودی مجرد و خارج از جهان نیست. انسان، دنیای انسانی است. این دولت داشتن، این اجتماعی بودن، موجد مذهب، موجد یک شعور واژگون شده از جهان می‌باشد. زیرا این‌ها دنیائی کله پا شده هستند...

فقر مذهبی در یک کلام مبین فقر واقعی است و در یک کلام دیگر پرخاشجویی علیه فقر واقعی است. دین دم عمیق، آلف و علوف زجرآور و احساسات یک دنیای بی‌رحم است. دین همان گونه که روح اوضاع بی‌روح است،

افیون توده هاست.

خواست نابودی دین، به عنوان سعادت تخیلی خلق، خواست سعادت واقعی توده ها می باشد. خواست زدودن اوهام از روی سرنوشت خود، خواست کنار گذاردن سرنوشتی است که نیازمند اوهام است. بنابراین انتقاد از دین در ذات خویش انتقاد از کره زمینی است که انعکاس مقدس آن دین است.» ۱۸

مسلم است که مذهب و ناسیونالیسم و فاشیسم، ایدئولوژی هایی هستند که بورژوازی بنا به شرایط و نیاز سرمایه از آن ها برای سرکوب جنبش های سوسیالیستی و آزادیخواهانه و مساوات طلبانه و شکستن مقاومت توده های معترض استفاده می کند.

فهرست منابع

- ۱ - توضیح المسائل روح الله خمینی
- ۲ - بیم موج، سید محمد خاتمی رئیس جمهور ایران، چاپ اول بهار ۱۳۷۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۴ و ۲۶
- ۳ - آیه هایی از قرآن
- ۴ - حجت الاسلام محمد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ص ۱۷۴
- ۵ - جلال الدین المحللی و جلال الدین السيوطی، تفسیر سورة معراج
- ۶ - آیت الله دستغیب، معراج الصادقین (کتاب معراج)، فصل اول
- ۷ - کتاب الدروس، ص ۱۷۱
- ۸ - جواهرالکلام، ص ۱۴
- ۹ - وسائل الشیعه، ص ۳۷۸
- ۱۰ - همان منبع، ص ۴۱۴
- ۱۱ - همان منبع، ص ۴۸۹
- ۱۲ - همان منبع، ص ۴۹۳
- ۱۳ - همان منبع، ص ۴۹۳
- ۱۴ - تحریرالوسیله، جلد دوم، ص ۵۳۹
- ۱۵ - اریک فروم، روانکاوی و دین، ترجمه آرسن نظریان، انتشارات پویش، ص ۴۸

- ١٦ _ همان منبع، ص ٥٠ و ٥١
١٧ _ کارل مارکس و فردریش انگلس، در بارهٔ مذهب، انگلس، ترجمهٔ ا. فاروق، ص ٣٩ و ٤٠
١٨ _ همان منبع، مارکس، ص ١٣٦

آدرس ناشر:

Forogh Book
Jahn Str. 24
50676 Koln I Gemany
Tel.0049-221-9235707
Fax.0049-221-2019878